

عنوان: بررسی نعمت ولایت، با عنوان باارزش‌ترین موهبت الهی

نگارنده: محمدرضا مهدی‌زاده

چکیده

با نگاهی اندیشمندانه در جهان پیرامون خویش درمی‌یابیم که خداوند نعمت‌های بسیاری را به انسان ارزانی داشته است، نعمت‌هایی که از شمارش آن نیز بر نمی‌آییم و هر کدام از نیکی و ارزش خاص خود برخوردارند و بخشی از نیاز انسان را مرتفع می‌سازند و سبب آسایش و آرامش وی را فراهم می‌کنند.

در مورد ارزش‌گذاری این نعمت‌ها، پرسشی مطرح می‌شود که کدام نعمت از ارزشی بالاتر برخوردار است و در حیات انسان و رفع نیازهای او دارای بیش‌ترین آثار است؟ در این مقاله با نظر به آیات و روایات و همچنین با بهره‌جویی از اثر تفسیری وثیق و ارزشمند المیزان؛ به بررسی پرسش فوق و معرفی نعمت ولایت با عنوان باارزش‌ترین و سودمندترین نعمت و موهبت الهی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها

نعمت، ولایت، قرآن، تفسیر المیزان، حبل‌المتین

طرح مسئله

پروردگار عالم به سبب رحمت لایزال خویش نعمات بسیاری را به انسان ارزانی داشته است، آنچنان که نعمت‌های پنهان و آشکارش انسان را در بر گرفته است: **وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً** (لقمان: ۲۰)، نعمات بسیاری که هرگز قابل شمارش نیستند و تمام هستی وجود قائم بالله را در بر گرفته اند آنچنان که خداوند می‌فرماید: **"وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا"** (نحل: ۱۸). این نعمت‌ها در نظام یکپارچه و بی‌نقص هستی در یکدیگر تنیده و نظامی واحد و هدفمند را تشکیل داده‌اند، یکی از نعمت‌های مطرح شده در قرآن نعمت ولایت است که در برخی آیات، مانند آیه اکمال (مائده: ۳) به آن اشاره می‌شود و آن را سبب اتمام نعمت و رضایت خویش معرفی می‌کند (**وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا**. مائده: ۳). بنابراین آیات و با مطالعه روایاتی از ائمه اطهار (ع) که در تفسیر ایشان بیان شده است، به بررسی جایگاه این نعمت با ارزش (نعمت ولایت) خواهیم پرداخت.

نگارنده در این یادداشت با روش توصیفی-تحلیلی، به کمک رهنمودهای قرآن، روایت، عقل و کلام متکلمین در پی پاسخی مبرهن به پرسش‌های ذیل است:

۱. نعمت چیست و قرآن کریم چه چیزی را نعمت می‌داند؟

۲. نعمت حقیقی و با ارزش‌ترین نعمت کدام است؟

۳. نعمت ولایت چیست و چه آثاری از آن بر انسان ساطع می‌گردد؟

به نظر می‌رسد یافتن پاسخی بر پرسش‌های فوق؛ گشایش دریچه‌ای نو بر بندگانی شکرگزار باشد که در جست‌وجوی یافتن با ارزش‌ترین نعمت پرورگار و ادای حق آن به میزان توان و توفیق خویش هستند. امید است که پروردگار و اهل بیت (ع) یاری‌گر نگارنده در نوشتار پیش رو باشند.

مفهوم شناسی لغوی نعمت

واژه‌ی نعمت در لغت فارسی به احسان، نیکی، مال و روزی [۱] اطلاق شده است. راغب می‌نویسد: "نعمه" به معنای حالت نیک و خوش است. وزن آن (فَعْلَةٌ) بیانگر حالت انسان است؛ مثل "جِلْسَةٌ" (حالت نشستن) و "رَكْبَةٌ" (حالت سواری) [۲].

همچنین مصطفوی معتقد است. همه‌ی مشتقات ماده "ن ع م" به اصل واحد باز می‌گردد و معنای آن، خوشگواری زندگی و نیکو بودن حال است؛ و در مقابل "بُوس" است که به معنای مطلق شدت و تنگناست. [۳]

بررسی کاربرد واژه‌ی "نعمت" در قرآن کریم

واژه‌ی نعمت و مشتقات آن در ۸۱ آیه از قرآن به چشم می‌خورد، که در ۴۰ مورد به صورت مطلق و بی‌مصدق و قرینه‌ی ظاهری به کار رفته است [4]

برخی از این آیات از فراوانی نعمت‌هایی خبر می‌دهند که از درون و برون انسان را احاطه کرده‌اند (وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده. /لقمان: ۲۰).

نعمت‌هایی که امکان شمارش آن نیست و تمام هستی و وجود قائم بالله را در بر گرفته‌اند، آنچنان که خداوند می‌فرماید: "وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا" (و اگر بخواهید که نعمت‌های خدا را شماره کنید هرگز نتوانید. /نحل: ۱۸)

این نعمت‌ها در نظام یکپارچه و بی‌نقص هستی در یکدیگر تنیده و نظامی واحد و هدفمند را تشکیل داده‌اند، که هر کدام با یکدیگر نظامی علی و معلولی داشته و به هم نیازمندند. از این جهت هر کدام نعمت دیگری محسوب می‌شود و هر کدام کمال دیگری است.

کلام علامه فقید محمدحسین طباطبایی در تفسیر آیه فوق مؤید همین موضوع است که نوشته‌اند:

((و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها...)) اشاره است به زیادی نعمت‌های الهی، و کثرتی که از حیطة شمارش بیرون است، چون در حقیقت، هیچ موجودی نیست مگر آنکه در مقایسه با نظام کلی عالم، نعمت است. هر چند که بعضی از موجودات نسبت به بعضی دیگر، نعمت نباشد. [5]"

لیکن خداوند گاهی از این نعمت‌ها با اوصافی ناپسند یاد می‌کند:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَأَعْبَابٌ (عنکبوت: ۶۴)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ (آل عمران: ۱۹۷)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ۗ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا بُغْضًا لِّإِنَّمَا هُمْ وَعَدَابُ مُهِينٌ (آل عمران: ۱۷۸)

آیات فوق داعی بر آن است که آنچه نعمت به شمار آمده تنها در صورتی نعمت است که با غرضی که خداوند از آفرینش آن‌ها برای انسان داشته موافق باشد؛ زیرا آنها به این منظور آفریده شده که از سوی خداوند کمکی برای انسان باشد تا در راه سعادت حقیقی خود (که همان قرب و نزدیکی به خداوند بر اثر بندگی و فروتنی در برابر پروردگار است) از آن‌ها بهره گیرد. بدین روی می‌فرماید:

"وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" [6]

بنابراین "نعمت" بایستی سبب خشنودی و رستگاری باشد، نه آنکه عقوبت و زیان را فراهم کند و این مسیر تنها از این طریق ممکن است که انسان هر نعمتی را در غرضی که پروردگار مشخص فرموده صرف کرد و این تنها از مسیر دین الهی ممکن است که شریعت را بیان می‌کند و انسان را در مسیر عبودیت قرار می‌دهد. دین و شریعت همان قرار گرفتن همه چیز تحت ولایت الله است و دین از طریق اهل‌بیت (ع) به ما می‌رسد و انسان خود به شخصه نمی‌تواند تشخیص دهد هر نعمتی را چگونه صرف کند که به نعمت بدل نگردد.

بنابراین نعمت حقیقی همان ولایت الهی و دین خداست، که از طریق پیامبر (ص) از آن بهره‌مند شده و به وسیله‌ی جانشینان ایشان از خطای در آن مصون می‌مانیم و نعمت بر ما کامل می‌شود و سبب رضایت پروردگار است. همچنین این معنا از آیه اکمال دریافت می‌گردد که خداوند

می‌فرماید: (وَأْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا. مائده: ۳). درباره این آیه بسیاری از مفسران اسلامی گفته‌اند منظور از نعمت امر "ولایت" است که خداوند آن را از طریق وجوب طاعت از "اولی‌الامر" به اکمال رساند.

همچنین در تفسیر آیه اکمال در میزان می‌خوانیم: "هر چیزی فی نفسه برای انسان نه نعمت است و نه نعمت، تا ببینی انسان با آن چه معامله ای بکند، اگر در راه عبودیت خدای تعالی مصرفش کند، و از حیث آن تصرفی که گفتیم روح عبودیت در آن بدمد، و در تحت ولایت خدا که همان تدبیر ربوبی او بر شوون بندگان است قرارش دهد، آن وقت برای او نعمت خواهد بود، و لازمه این حرف این است که نعمت در حقیقت همان ولایت الهی است، و هر چیزی وقتی نعمت می‌شود که مشتمل بر مقداری از آن ولایت باشد" [7]

سایر نعمتها در سایه ولایت معنا و مفهوم می‌یابد حتی نعمت توحید چنین است چنان‌که از امام باقر (ع) چنین وارد شده است: "بِنَا عُبْدَ اللَّهِ. وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ. وَ بِنَا وَجَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. وَ مُحَمَّدٌ (ص) حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى" [۸]

معنی: به وسیله ما خدا بندگی می‌شود. و به وسیله ما خدا شناخته می‌شود. و به وسیله ما توحید خداوند متعال تحقق می‌یابد و حضرت محمد(ص) حجاب خدای متعال است.

نعمت ولایت در روایات اهل‌بیت (ع)

یکم

پیامبر اعظم(ص) در حدیث ثقلین قرآن کریم و ولایت ائمه اطهار(ع) را سبب هدایت و رستگاری بیان می‌کند: «...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِنْتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَتْرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي...» [۹]

ترجمه: من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما

در کنار حوض بر من وارد می‌شوید، پس من از شما درباره رفتارتان با این دو یادگار
ارزشمند سؤال خواهم کرد، یعنی کتاب خدا و اهل بیت(ع).

از روایت فوق پیداست که نعمت عظیمی همچون قرآن کریم هم زمانی نعمت است و سبب
هدایت می‌شود که در تحت ولایت اهل بیت(ع) از آن بهره بجوییم، وگر چنین نباشد چه بسیار
در تاریخ که تفاسیر به رای امثال معاویه و ... از این کتاب ارزشمند سبب گمراهی جماعتی از
مسلمین گردید.

دوم

الصَّادِقُ (عليه السلام) - عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْبَزَّازِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) هَذِهِ الْآيَةَ
فَأَذْكَرُوا آلَاءَ اللَّهِ قَالَ أَ تَدْرِي مَا آلَاءُ اللَّهِ قُلْتُ لَا قَالَ هِيَ أَعْظَمُ نِعَمِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هِيَ وَ لَا يُتَنَّا.

امام صادق (عليه السلام) - یوسف بزّاز گوید: امام صادق (عليه السلام) این آیه: فَأَذْكَرُوا آلَاءَ اللَّهِ
را تلاوت نمود. و فرمود: «آیا می‌دانی آلَاء خدا چیست؟» عرض کردم: «نه!» فرمود: «آن‌ها
بزرگترین نعمت‌های خدا بر خلق هستند. و آن ولایت ماست.» [۱۰]

از کلام فوق دریافت می‌شود نه تنها ولایت اهل بیت(ع) بزرگترین نعمت است بلکه یاد و
شکرگزاری این نعمت نیز واجب است.

سوم

الْبَاقِرُ (عليه السلام) - عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ
ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً قَالَ أَمَّا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهِيَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَوْحِيدِهِ وَ أَمَّا النِّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَوَلَايَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا فَاعْتَقَدَ وَ اللَّهُ قَوْمٌ هَذِهِ
النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ وَ الْبَاطِنَةُ وَ اعْتَقَدَهَا قَوْمٌ ظَاهِرَةٌ وَ لَمْ يَعْتَقِدُواهَا بَاطِنَةً فَأَنْزَلَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا
يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ فَفَرَحَ رَسُولُ اللَّهِ
(صلى الله عليه و آله) عِنْدَ نُزُولِهَا إِذْ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِبْمَانَهُمْ إِلَّا بِعَقْدِ وَ لَايَتِنَا وَ مَحَبَّتِنَا.

امام باقر (علیه السلام) - جابر گوید: مردی آیه: وَ أَتَّبَعْتُكَ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً را در حضور امام باقر (علیه السلام) تلاوت نمود. امام فرمود: «نعمت ظاهری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آنچه از معرفت خدا و توحید آورده می‌باشد. و اما نعمت باطنی، ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) و پیمان مودت ماست. به خدا سوگند! قومی این نعمت ظاهر و باطن را پذیرفتند و قومی دیگر فقط ظاهر آن را پذیرفتند. از این رو خداوند فرمود: ای فرستاده‌ی [خدا]! آن‌ها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آن‌ها ایمان نیاورده. (مانده/۴۱). پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگام نزول آن خوشحال گردید؛ زیرا خداوند ایمان آن‌ها را مگر با ولایت و محبت ما نمی‌پذیرد.» [۱۱]

آنچنان که از متن روایت فوق پیداست، مودت و پیروی از امام (ع) موجب خشنودی پیامبر (ص) و خداوند است. همچنین پذیرفتن امر ولایت سبب پذیرش ایمان و هدایت است که راهی برای وصل جنات نعیم است.

چهارم

الکاظم (علیه السلام) - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَتَّبَعْتُكَ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً فَقَالَ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ.

امام کاظم (علیه السلام) - محمد بن زیاد از دی نقل می‌کند: از مولایم امام کاظم (علیه السلام) درباره‌ی آیه: وَ أَتَّبَعْتُكَ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً سؤال کردم. فرمود: «نعمت ظاهری، امام ظاهر است و نعمت باطنی امام غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.» [۱۲]

و جان عالم به فدای امام غائب و حاضر (عج) که گرچه از دیده‌ها پنهان است منشاء خیرات و برکات بر زمین و آسمان است.

پنجم

أمیر المؤمنین (علیه السلام) - عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ (علیه السلام) قَالَ فَمَا بَالُ قَوْمٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ عَدَلُوا عَنْ وَصِيَّتِهِ لَا يَخَافُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورَارِ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ يَنْسَوْنَ الْفَرَارَ ثُمَّ قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ بِنَا فَارَ مَنْ فَارَ.

امام علی (علیه السلام) - اصبح بن نباته گوید: امام علی (علیه السلام) فرمود: «آن قومی که سنت رسول خدا (صلى الله عليه و آله) را تغییر داده و از وصیت او عدول کردند، چه می‌اندیشند؟ آیا نمی‌ترسند از اینکه عذاب بر آنها نازل شود؟» سپس این آیه را تلاوت نمود: کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! [سرای نیستی و نابودی، همان] جهنم است که آنها در آتش آن وارد می‌شوند و بد قرارگاهی است. (ابراهیم/۲۹۲۸)». سپس فرمود: «به خدا! ما همان نعمت خدا هستیم که خدا به بندگانش عطا کرده و هرکس رستگار شد با پیروی از ما رستگار شده است». [۱۳]

در روایت فوق هم اهل بیت (ع) نعمت خداوند یاد می‌شوند و پذیرش ولایت آنها سبب رستگاری است.

ششم

الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) ... قَالَ يَا سَدِيرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ وَ لَا ثَوْبٍ لَيِّنٍ وَ لَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ بَلْ لَنَا خُلُقٌ وَ لَهُ خُلُقْنَا وَ لِنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ فَلْتُ لَهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِيمُ قَالَ حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) وَ عِتْرَتِهِ (عليهم السلام) يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عِتْرَتِهِ.

امام صادق (علیه السلام) - حنان بن سدير از پدرش نقل کرده است: نزد امام باقر (علیه السلام) بودم... فرمود: «ای سدير! هرگز از غذای خوب و لباس نرم و بوی خوش از شما بازخواست نخواهند کرد. اینها برای ما خلق شده است و ما برای استفاده از آنها مأموریم که با استفاده از

این نعمت‌ها فرمان‌بردار خدا باشیم». عرض کردم: «پدر و مادرم فدایت! پس نعیم چیست؟» فرمود: «حَبِّ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و خاندانش (علیهم السلام). خداوند روز قیامت بازخواست خواهد کرد چگونه سپاس نعمتی که بر شما ارزانی داشتیم از حَبِّ علی (علیه السلام) و عترتش (علیهم السلام) بهجا آوردید. [۱۴]

روایت فوق نیز بیان‌گر ارزشمندی و مرتبه‌ی بلند نعمت ولایت است.

نعمت‌هایی که از وجود امام ساطع می‌گردد

همچنین به سبب ویژگی‌هایی همچون **وساطت فیض**، نعمات بسیاری از وجود امام بر دیگر موجودات ساطع می‌گردد، امام (ع) قلب هستی است و موجودات در حیات و دوام خویش وام دار وجود ایشانند، آنگونه که زمین لحظه‌ای نمی‌تواند از وجود امام تُهی شود، امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: (لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ). / اگر زمین بدون امام می‌ماند، به یقین در هم فرو می‌ریخت. [۱۵]

علاوه بر این همانطور که گفته شد امام صراط مستقیم و برپادارنده دین الهی است، چنان‌که اگر وجود ایشان نبود امکان عبادت و بندگی خداوند (غرض آفرینش) فراهم نمی‌شد. نعمات بسیار دیگری نیز وجود دارند که به واسطه‌ی وجود امام دیگر موجودات از آن بهره‌مند می‌گردند.

امام واسطه‌ای است که فیض آسمانی از طریق او به زمین و اهل آن می‌رسد و در مقام صعود و "قرب الی الله" هم سالک چنانچه قرب و منزلتی را نائل گردد و به هر مرتبه‌ای رسد به واسطه‌ی وجود امام و فیض رسانی ایشان است (تشریحاً و تکویناً)، چنانچه در دعای ندبه نیز پیرامون امام می‌خوانیم: "السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ"

و همچنین در همین دعا می‌خوانیم: "أَيُّنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى"

(یعنی: کجاست سید من و مولای من، آن باب الله که از آن باید به خدا و به جوار قدس او روی آورد؟).

همچنین از جمله نعمات این است که امام محوریت هستی است و وجود قائم بالله را فیاض است و آنچه بر آن هستی اطلاق می‌شود در حفظ و بقای خویش نیازمند امام است. علامه ضیاءآبادی مرجع عالیقدر شیعی در شرح خویش بر جامعه کبیره پیرامون محوریت امام بر نظام هستی و امداد ایشان در شرح عبارت "ارکان البلاد" چنین آورده است:

"(وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ)؛

"ارکان" جمع "رکن" است و رکن یعنی جزء اعظم هر چیزی که بقای آن چیز به آن جزء بستگی دارد؛ مثلاً پایه‌ها و ستون‌های يك ساختمان رکن‌های آن ساختمان هستند که ساختمان بدون آن‌ها بقا ندارد. اعضای رئیسه‌ی بدن، از قبیل سر و گردن و سینه و دست‌ها و پاها از بیرون و ریه و قلب و کلیه و کبد از درون، ارکان بدن محسوب می‌شوند و با اختلال آن‌ها بنیان بدن و حیات انسان نابود می‌گردد.

وجود امام(ع) مایه‌ی سکونت زمین و آدمیان

امامان نیز ارکان بلاد و تمام عوالم امکان از زمین و آسمان و نگهبان ثبات و بقای آن‌ها هستند که فرموده اند :

(لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا)؛

اگر حجّت نباشد، زمین و ساکنانش نابود می‌شوند.

(لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ)؛

اگر لحظه‌ای امام از زمین برداشته شود، زمین به سان دریای موج متلاطم به تلاطم می‌افتد و اهلس را در خود فرو می‌برد. [۱۶]

علاوه بر این امام راهبر هستی است و وجود قائم بالله را مدیریت می‌کند و به سبب آنکه رحمت بالغه‌ی پروردگار است نقصان مخلوقات را برطرف و آنچه برای رستگاری و نیل به غایت خویش به آن محتاجند را فراهم می‌کند. امام با اراده‌ی پروردگار از تمامی نیازهای موجودات و همچنین استعدادهای آنان آگاه است و همچون یک مربی لوازم رشد حداکثری آنان را فراهم می‌کند. امام موجودات را تکویناً و تشریحاً راهبری می‌کند و از زوال و فساد آنان را باز

می‌دارد و آنان را به غایت خویش راهنمایی می‌کند. آنچنان که در زیارت جامعه کبیره امام را با عبارت " السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا قَادَةَ الْأُمَمِ و اولیاء النعم " یاد می‌کنیم، آیت‌الله ضیاءآبادی در شرح عبارت فوق آورده است:

"(السَّلَامُ عَلَیْکُمْ... قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِیَاءَ النَّعْمِ)

سلام بر شما ... که پیشوایان امت‌ها و صاحبان نعمت‌ها هستید."

معنا و مفهوم واژه‌ی اَمَّت

کلمه‌ی "اَمَّت" به معنای جمعیت است؛ اما نه هر جمعیتی، بلکه به آن جمعیتی که مقصد و مسیری واحد و راهبری یگانه دارند، اَمَّت گفته می‌شود. کلمه‌ی اَمَّت به معنای قصد است؛ اَمَّت یعنی کسی که قصد جایی را دارد.

(... آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...) [۱۷] یعنی کسانی که به قصد زیارت کعبه حرکت کرده‌اند. پس در کلمه‌ی اَمَّت معنای قصد و عزم و حرکت ملحوظ است؛ بنابراین، اَمَّت یعنی جمعیتی که با هم به سوی مقصدی مشترک در حال حرکت هستند و لذا به هر جمعیتی اَمَّت گفته نمی‌شود. مثلاً جمعیتی که يك جا نشسته‌اند، اَمَّت نیستند. اَمَّت جمعیتی است که در حال حرکت است و عزم و قصدی دارد و مقصدی را در نظر گرفته و مسیر معینی را می‌پیماید و امامی هم دارد؛ چون اَمَّت بدون امام نمی‌شود و امام نیز بدون اَمَّت معنای صحیحی ندارد؛ زیرا امام یعنی پیشوا و رهبر اَمَّت، طبعاً باید او در راهی در حال حرکت باشد تا اَمَّت دنبال او حرکت کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ...)؛ [۱۸]

هر رسولی امتی و هر امتی هم رسولی داشته است.

(وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ...)؛ [۱۹]

ما در میان هر جمعیت و امتی، رسولی را برانگیختیم تا مردم را به عبادت الله دعوت کنند."

یعنی، تمام انبیاء از جانب خدا آمدند و مقصد واحدی را مشخص کردند و خودشان رو به آن مقصد حرکت کردند و به مردم هم گفتند: دنبال ما رو به آن مقصد حرکت کنید.

طبعاً کسانی که قائد و راهبر امت اسلامی باشند، قائد تمام امم خواهند بود، و لذا به اهل بیت رسالت (علیهم السلام) می‌گوییم:

(قادة الأمم)؛

"قادة" جمع قانداست. "قائد" مشتق از "قیادت" است و قیادت یعنی رهبری. قائد یعنی رهبر، قاده یعنی رهبران، "قادة الامم" یعنی پیشوایان و رهبران امت‌ها.

مفهوم گسترده و فراگیر امت

نکته‌ی دیگر این که، امت تنها انسان‌ها نیستند، بلکه تمام موجودات عالم، امت هستند.

در آیه‌ی شریفه می‌خوانیم:

(وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أُمَّتُكُمْ...); [۲۰]

هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست، مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند."

پس معلوم می‌شود که تمام حیوانات زمینی و پرندگان هوایی امتی هستند و در عالم خودشان مقصدی دارند و رو به آن مقصد در حال سیرند؛ پس قهراً نیرویی حاکم بر آن‌ها هست که آن‌ها را حرکت می‌دهد و جلو می‌برد و آن نیروی حرکت دهنده همان مقام ولایت است که تکویناً زمام هدایت هر موجودی را به دست گرفته در مسیر طبیعی خودش پیش می‌برد.

(...مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا...); [۲۱]

هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر این که او بر وی تسلط دارد."

اهل بیت اطهار (علیهم السلام) مظاهر ولایت مطلقه‌ی خداوند

يك دانه‌ی گندم که در دل خاک رشد می‌کند و بالا می‌آید، سبزه‌ای و بعد خوشه‌ای پر از دانه‌های گندم می‌شود. پیداست که این گیاه در حال حرکت است و راهی را طی می‌کند و حرکت منظمی دارد. در عالم خود، مقصدش را می‌فهمد و مسیر خود را تشخیص می‌دهد و برنامه‌ی سیر را هم می‌داند. چنان که خدایش می‌فرماید:

(...وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ...)[۲۲]

(...كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ...)[۲۳]

هرچه در عالم هست و کلمه‌ی "شیء" بر آن اطلاق می‌شود، تسبیح و تحمید خدا می‌کند و عجیب این که عالم به صلاة و تسبیح‌شان نیز هستند و در عالم خودشان می‌دانند به کجا می‌خواهند بروند و چگونه باید بروند و از چه راهی باید طی مسیر کنند. از نظر ما، عالم يك دانه‌ی گندم در دل خاك، تاريخ است؛ اما از دیدگاه خودش، روشن است و راه خود را تشخیص می‌دهد و در پرتو نور هدایت خالقش در حرکت است.

(...رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى)[۲۴]

هر چیزی در عالم آفرینش، هدایت شده است و در مسیر خود با روشنی حرکت می‌کند و قهراً حرکت دهنده‌ای دارد که آن موجود فاقد عقل و درك و شعور و بینایی را در دل آن تاریکی حرکت می‌دهد.

نیروی قاهری هست که نطفه را در رحم مادر حرکت می‌دهد و صورت‌گیری می‌کند. "مقام ولایت" است که تمام این‌ها را تدبیر می‌کند. اوست که دانه‌ی گندم را می‌رویاند و کبوتر را تعلیم می‌دهد که چطور روی تخم بخوابد و تولید نسل کند و از آن پاسداری کند. اوست که به زنبور عسل آموزش می‌دهد که چگونه اِتِّخَاذَ لانه کرده آنگاه از نباتات عسل بسازد و آن تشکیلات عجیب و حیرت‌انگیز را به وجود آورد. این‌ها همه امتی هستند و مسیر و مقصدی دارند و امامی دارند. بر اساس ادله‌ی عقلی و نقلی، اهل بیت اطهار (علیهم السلام) مظاهر ولایت مطلقه‌ی حضرت ربّ العالمین هستند و قادة الاممند. [۲۵]

و همچنین ایشان پیرامون "اولیا النعم" بودن امام (ع) آورده است:

"پس نعمت بودن وجود عالم و آدم، بسته به دین است و نعمت بودن دین نیز بسته به ولایت. اگر دین نباشد، تمام موجودات عالم از مسیر هدف خلقت منحرفند و اگر ولایت نباشد دین از مجرای خود منعزل* است. بنابراین، نعمت اصلی در جهان هستی ولایت است که تدبیر امور می‌کند و تمام موجودات را در آفاق و انفس، به مسیر هدف اصلی خلقت می‌افکند و باب الله المؤتی منه است و هادی الی الله.

نقمت و بلاي واقعي هم انحراف از ولايت است؛ زیرا بشر با انحراف خود از ولايت، تمام موجودات را از مسیر هدف منحرف مي‌کند و دنيا و عقبا را به سمت جهنم سوزان مي‌کشانند. [۲۶]"

و نعمات بسيار ديگري از وجود امام بر موجودات ساطع مي‌گردد، آنچنان که شمارش آنها غيرممکن است و ذکر مواردی ديگر از اين قبيل از گنجایش مقاله خارج و نیازمند نوشتاری ديگر است.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد، سه مقدمه‌ی ذیل حاصل می‌گردد:

۱. همه‌ی آنچه پروردگار آفریده است از این جهت که در نظام تدبیر قرار گرفته‌اند و نقصان همدیگر را تکمیل می‌کنند و احتیاج یکدیگر را مرتفع می‌سازند نعمت است و بنابراین نعمت‌های خداوند بسیار زیاد و غیر قابل شمارشند (لقمان: ۲۰ / نحل: ۱۸)
 ۲. خداوند از آنچه برای انسان آفریده است غرضی داشته است و آن رفع نیازهای انسان برای انجام عبودیت و بندگی است (ذاریات: ۵۶)
 ۳. آدمی خود نمی‌تواند تشخیص دهد نعمت‌های خداوند را چگونه استعمال کند تا نعمت باشد و بدل به نغمت نگردد. تنها دین خداست که می‌تواند راهنمای ما باشد، دینی که رسول خدا (ص) آورده و امامانی از خود را برای بیان آن نصب فرموده و خداوند نظام هستی را در بقاء، رشد و هدایت خویش بر وجود امام بار کرده است و غرض هستی بی‌وجود امام انجام نمی‌یابد.
- بنابر آنچه در مقدمات بیان شد، مبرهن می‌گردد؛ نعمت حقیقی در این عالم، ولایت است و سایر چیزها اگر تحت این ولایت در آیند نعمت‌اند، ولی اگر از محدوده این ولایت خارج شوند، نه تنها نعمت نیستند، بلکه بلا و مصیبت خواهند بود. "ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ" (تکواثر: ۸) و همچنین امام محور و فیاض بخش هستی است و رحمتٌ للعالمین است و لوازم بقاء و رشد و هدایت موجودات و همچنین امکان بهره‌مندی از نعمات دنیوی و اخروی را (تکویناً و تشریحاً) برای افراد بشر فراهم می‌سازد.

ارجاع ها

۱. فرهنگ فارسی معین، محمد معین
۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۸۱۴
۳. مصطفوی، التحقیق، ج ۱۲، ص ۱۹۸
۴. نشریه قرآن شناخت، بهار و تابستان ۹۹، ش ۲۴، ص ۹۲
۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۲
۶. ذاریات، آیه ۵۶
۷. طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۱۸۱
۸. اصول کافی، کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۰
۹. کلینی، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۹۴
۱۰. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۵، ص ۳۹۸ _ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۷
۱۱. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۱، ص ۵۶۰ _ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۲
۱۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۱، ص ۵۶۰ _ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۵۳
۱۳. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۶۹۸ _ بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۲
۱۴. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۳۶۰ _ مستدرک الوسایل، ج ۱۶، ص ۲۴۸
۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹
۱۶. حبل المتین، ج ۱، ص ۸۳ - ۸۵
۱۷. مائده، آیه ۲
۱۸. یونس، آیه ۴۷

١٩ . نحل، آيه 36

٢٠ . انعام، آيه 38

٢١ . هود، آيه 56

٢٢ . اسراء، آيه 44

٢٣ . نور، آيه ٤١

٢٤ . طه، آيه 50

٢٥ . حبل المتين، ج ١، ص ٥٧ - ٦١

٢٦ . حبل المتين، ج ١، ص ٧٢ - ٧٣

منابع

تفسير الميزان في تفسير القرآن

تفسير اهل بيت عليهم السلام

تفسير نمونه

تفسير الصافي

حبل المتين

بصائر الدرجات

نور الثقلين

الكافي

بحار الانوار

المفردات في غريب القرآن

سایت الوحي

سایت حوزة

سایت اسلام مديا

سایت شيعه مديا

پایگاه اینترنتی احاديث

سایت دانشنامهی اسلامی